

بررسی اقتصادی شهریه

در آموزش عالی

نوشته: دکتر محمد سعید نوری نائینی

فرهاد دژپسند

معرفی مقاله:

در این مقاله بر اهمیت آموزش و تأثیر فراوان آن بر توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تأکید شده است. همچنین امر رادال بر توجه دولت‌ها به آموزش و سرمایه‌گذاری در این زمینه، آن هم با اولویت خاص دانسته‌اند. در ایران نیز همواره آموزش سهم زیادی از مخارج دولت را به خود اختصاص داده است، ولی گستردگی بخش آموزش و ضرورت افزایش کیفیت آن ایجاب می‌کند که منابع دیگری به کمک بودجه دولتی فراخوانده شود.

این مقاله را آقای دکتر محمد سعید نوری نائینی عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی و آقای فرهاد دژپسند کارشناس محترم سازمان برنامه و بودجه به رشته تحریر درآورده‌اند که بدینوسیله از آنان تشکر می‌گردد.

در ضمن، توجه خوانندگان گرامی را به دو نکته زیر معطوف می‌دارد:

- ۱- اینکه نظرات مطروحه در این مقاله صرفاً "مبیین نظریات نویسندگان محترم مقاله است، و نشر آن به معنی موافقت وزارت فرهنگ و آموزش عالی کشور با محتوای مطالب نیست.
- ۲- تحلیل ابعاد دریافت شهریه و مسایل اقماری آن نیازمند مقاله‌ای جداگانه است که امید است با عنایت به تجارب بین المللی در ۱۷۳ کشور جهان و با توجه ویژه به دو مؤلفه بازدهی فردی و اجتماعی آموزش عالی در ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی کشور به رشته تحریر درآید.

مقدمه :

دردنیای امروز، آموزش در تمام سطوح، به عنوان یکی از وجوه اصلی تشکیل سرمایه انسانی شناخته شده است. تا قبل از دهه ۱۹۶۰، در منابع رشد و توسعه اقتصادی، تلقی عمومی آن بود که رشد اقتصادی، منحصرأ "در گرو انباشت سرمایه های فیزیکی و افزایش کمیت نیروی کار است. با گذشت زمان و انجام مطالعات مختلف، این تلقی تغییر کرد و روشن شد که رشد اقتصادی علاوه بر دو عامل مذکور، به کیفیت نیروی کار و افزایش بهره‌وری عوامل تولید نیز بستگی تام و مستقیم دارد. اثر آموزش بر بهبود کیفیت نیروی کار روشن است. بنابراین می‌توان ادعا کرد که افزایش آموزش نیروی انسانی مستقیماً" به رشد و توسعه اقتصادی می‌انجامد. مطالعات تجربی متعددی که در مورد کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه انجام گرفته است صحت این ادعا را ثابت کرده و می‌کند. خاصه در جهان امروز، با توجه به پیچیده‌تر شدن فرایند توسعه، نیاز به آگاهی و دانش بیشتر شده است و تصور دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی، بدون آموزش و سرمایه‌گذاری آموزشی، اساساً" محال می‌نماید. اهمیت آموزش و تأثیر فراوان آن بر توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سبب شده است که دولت‌ها توجه به آموزش و سرمایه‌گذاری در این زمینه را با اولویت خاص، در دستور کار قرار دهند. در ایران نیز همواره آموزش سهم زیادی از مخارج دولت را به خود اختصاص داده است، ولی گستردگی بخش آموزش و ضرورت افزایش کیفیت آن ایجاب می‌کند که منابع دیگری به کمک بودجه دولتی فراخوان شود. یکی از منابع می‌تواند، دریافت شهریه از دانشجویان باشد که در این مقاله به جوانب اقتصادی آن

پرداخته شده است. بدیهی است پرداختن به جوانب سیاسی و اجتماعی دریافت شهریه از دانشجویان و یاسایر منابع درآمدی نیز از جمله امور مهمی است که باید از طرف صاحب نظران دیگر بدانها پرداخته شود.

ماهیت آموزش:

بررسی ماهیت آموزش به عنوان یک کالا یا خدمت و تعیین نوع آن در تحلیل‌های اقتصادی دارای اهمیت بسزائی است. برای روشن شدن این موضوع باید ابتدا تعریف انواع کالاها از نظر موارد عمده مصرف روشن شود. کالاها و خدمات مصرفی به دو دسته عمده تفکیک می‌شود.

۱- کالاهای عمومی یا همگانی

۲- کالاهای خصوصی

کالای عمومی یا همگانی، کالایی است که مصرف آن تخصیص ناپذیر و غیر قابل رقابت است، و به عبارت دیگر، سهم شدن در منافع مصرف آن توسط فرد «الف» کاهش در منافع سایر مصرف کنندگان این کالا ایجاد نمی‌کند. این منافع به طور یکسان قابل دسترس و در اختیار همه است، بدون اینکه منافع مصرف کنندگان باهم تداخلی داشته باشد. به عبارت دیگر، اعمال اصل تفکیک پذیری در خصوص این گونه کالاها ممکن نیست، مثل امنیت، رادیو و تلویزیون و جز اینها. مصرف فرد «الف» از امنیت مصرف فرد «ب» از آن نمی‌شود (رقابت ناپذیری) و همچنین نمی‌توان مقرر نمود که فقط بازاء پرداخت A ریال (قیمت آن) می‌توان آن کالا یا خدمت را مصرف کرد (تفکیک ناپذیری)^۱.

کالای خصوصی، کالایی است که مصرف آن قابل رقابت بوده و منافع آن جنبه ذاتی داشته باشد. به طوری که اگر کالا توسط فرد «الف» مصرف شود، مصرف همزمان آن کالا بوسیله فرد «ب» امکان پذیر نباشد. همچنین بتوان در مورد آن، اصل تفکیک پذیری را اعمال کرد. بدین معنی که مصرف فرد «الف» از آن کالا، همراه با پرداخت قیمت آن کالا امکان پذیر باشد، مانند کتاب، نان و سایر کالاهای مصرفی خصوصی. اولاً مصرف فرد

«الف» از نان، مانع مصرف فرد «ب» از همان نان می‌شود و ثانیاً بازارچنان ترتیب می‌یابد که هر فرد در صورت پرداخت قیمت می‌تواند به تهیه و مصرف آن کالا اقدام کند.^۲

از این دیدگاه، آموزش یک خدمت خصوصی است زیرا هم مصرف آن تخصیص پذیر و قابل رقابت است و هم امکان اصل تفکیک پذیری برای آن وجود دارد. یعنی اگر ظرفیت یک مؤسسه آموزشی مثلاً "چهل نفر باشد، برای ثبت نام بیش از ۴۰ نفر ازدحام به وجود آمده و در نهایت ثبت نام برای افراد مازاد بر چهل نفر با محدودیت مواجه می‌گردد (رقابت پذیری) و نیز می‌توان برخورداری فرد «الف» از آموزش را به پرداخت قیمتی خاص منوط نمود (تخصیص پذیری). بنابراین آموزش، به عنوان یک خدمت از نظر اقتصادی ماهیتی خصوصی دارد.

مالکیت مؤسسات آموزشی:

تولید و عرضه کالاها و خدمات عمومی و همگانی، به دلیل تخصیص و رقابت ناپذیر بودن مصرف و مشکل بودن تعیین قیمت برای آنها، معمولاً توسط دولت صورت می‌گیرد. (مگر در مواردی که بخش خصوصی امکان و تمایل تأمین هزینه‌های آن را داشته باشد و بتواند هزینه خدمات آن را از مصرف کنندگان کالا دریافت کند. مثل رادیو و تلویزیون که در برخی از کشورها توسط بخش خصوصی ارائه می‌شود).

تولید و عرضه کالاهای خصوصی نیز مگر در مواقع خاص، توسط بخش خصوصی صورت می‌گیرد. در بین کالاهای خصوصی، کالاهایی که دارای بازار انحصاری باشند، (یعنی فروشنده و یا خریدار منحصر به فردی داشته باشند) و یا کالاهایی که مصرف آنها، بنا به دلایل گوناگون توسط دولت تشویق می‌شود، مانند بهداشت، آموزش و سوادآموزی، غالباً توسط دولت (بخش عمومی) تولید و عرضه می‌شود.

اگر از آموزش عمومی، که غالباً به عنوان یک خدمت عمومی ناسره عنوان می‌شود بگذریم^۳، سایر آموزشها، مانند آموزشهای متوسطه، فنی و حرفه‌ای و آموزشهای عالی و تخصصی، به طوری که در قسمت قبل تشریح شد، خدمت خصوصی محسوب می‌شوند. به همین دلیل چنانچه دولت اهداف اجتماعی خاصی از ارائه آموزش نداشته باشد، منطق اقتصادی (که در سطور فوق بدانها اشاره شد) ایجاب می‌کند که بخش

خصوصی مسئولیت آموزش نیروی انسانی متخصص را به عهده گیرد و به طریق اولی، مالکیت واحدها و مؤسسات آموزش متوسطه، فنی و حرفه‌ای، عالی و تخصصی رانیز در دست داشته باشد. اما در عمل، مالکیت واحدهای آموزشی در اکثر کشورها، بخصوص در کشورهای جهان سوم، خصوصی نیست. وجود دو ویژگی عمده سبب شده است که سرمایه‌گذاری در آموزش، بخصوص آموزش عالی، مورد استقبال بخش خصوصی قرار نگیرد: ۱- سرمایه بر بودن آموزش بعضی از رشته‌ها، مانند رشته‌های پزشکی، دندانپزشکی، کشاورزی و دامپزشکی و همچنین برخی از رشته‌های مهندسی، سبب می‌شود که هزینه سرمایه‌ای و جاری آموزشی در آنها بسیار بالا بوده و تأمین سرمایه مورد نیاز از توان بسیاری از عاملان بخش خصوصی خارج باشد. چنان که در جدول

جدول شماره (۱) هزینه سرانه دانشجو به تفکیک گروه‌های تخصصی

۷۱-۱۳۶۲ به هزار ریال

سال گروه آموزشی	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲ برآورد
کشاورزی و دامپزشکی	۱۳۱۳	۱۴۳۷	۱۷۱۰	۱۰۶۱	۷۳۱	۶۹۵	۷۰۸/۴	۹۸۳/۸	۱۳۱۶/۷	۱۵۲۶	۲۰۹۱
پزشکی	۵۹۹	۶۶۵	۶۷۲	۵۶۶	۴۶۵	۴۸۱	۵۵۲/۲	۹۱۱/۸	۱۳۳۳/۷	۱۵۶۲/۴	۱۸۶۳
فنی و مهندسی	۴۱۷	۴۲۸	۴۳۴	۴۰۲	۳۶۱	۳۴۲	۴۱۷/۷	۵۵۹/۳	۷۶۶/۲	۹۲۰/۵	۱۲۴۷
علوم پایه هنر، علوم انسانی و اجتماعی	۴۰۳	۴۵۴	۴۶۸	۴۱۹	۳۷۶	۵۲۳	۴۱۸	۵۴۹/۱	۷۰۵/۱	۸۰۰/۵	۱۲۹۲
	۳۳۸	۳۷۲	۳۵۰	۳۳۰	۳۰۶	۲۷۱	۲۵۷/۳	۳۵۲/۲	۴۷۲/۱	۵۳۷/۳	۱۰۰۱
جمع	۳۴۹	۳۶۲	۳۷۰	۳۳۵	۳۰۶	۳۰۸	۳۴۶	۴۷۹	۶۴۸	۸۳۴	۱۳۱۸

ماخذ: ۱- از سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۷ از نشریه تحلیل مسائل بخش آموزش عالی و ارائه

سیاست‌هایی برای توسعه آن. سازمان برنامه و بودجه، معاونت امور اجتماعی، دفتر امور

آموزش عالی و تحقیقات، حمیدسهرابی با همکاری فریبا فهیم یحیائی و فرحناز

صیوحی، ۱۳۷۱.

۲- از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۱ از نشریه هزینه سرانه آموزش عالی در ایران طی سالهای ۶۸ تا ۷۱، سازمان برنامه و بودجه، معاونت امور اجتماعی، دفتر امور آموزش عمومی عالی، تحقیقات، شهریار علائی و حسین فاضلی، ۱۳۷۲.

شماره (۱) نشان داده می‌شود در ایران هزینه سرانه گروههای کشاورزی و دامپزشکی و پزشکی طی سالهای ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۱ همیشه بسیار بالاتر از هزینه سرانه سایر گروهها بوده است. به طوری که هزینه سرانه گروه کشاورزی و دامپزشکی همیشه بیش از ۲/۵ برابر هزینه سرانه گروه علوم انسانی و بیش از ۲ برابر هزینه سرانه گروه علوم پایه بوده است.

پایین بودن سطح تقاضا برای رشته‌های علوم پایه و برخی رشته‌های علوم انسانی: پایین بودن بازدهی خصوصی رشته‌های علوم پایه (ریاضی، فیزیک و...) و برخی رشته‌های علوم انسانی (ادبیات، فلسفه، تاریخ و...) نسبت به سایر رشته‌ها لااقل در سطح کارشناسی سبب می‌شود تقاضا برای کسب این گونه آموزش‌ها نیز پایین باشد، به همین دلیل، بازار قادر نخواهد بود ضمن حفظ پوشش وسیع، قیمت مناسب و سودآوری را حفظ کند. این امر به نوبه خود موجب می‌شود سودآوری سرمایه‌گذاری پائین باشد و علی‌رغم پایین بودن هزینه آموزش در این زمینه‌ها، بخش خصوصی از سرمایه‌گذاری در این بخش خودداری کند.^۴

این گونه مشکلات مانع سرمایه‌گذاری کافی بخش خصوصی در زمینه آموزش عالی می‌شود و در صورت فقدان سرمایه‌گذاری کافی، نیروی انسانی متخصص نیز به اندازه مورد نیاز تربیت نشده و در نتیجه کشور با مشکل مواجه می‌شود. به همین دلیل، دولت خودبه‌سازماندهی امکانات مورد نیاز تربیت نیروی انسانی متخصص اقدام می‌کند.

در ایران، تاکنون اصلی‌ترین نهاد عرضه‌کننده آموزش عالی، دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی وابسته به دولت بوده است. تعدادی از مؤسسات آموزش عالی نیز که توسط بخش خصوصی اداره می‌شد قبل از انقلاب اسلامی ایران دولتی شد و پس از انقلاب هم بخش خصوصی هیچ واحد دانشگاهی را تأسیس نکرده است.^۵

تقاضای آموزش عالی در ایران

با اینکه آموزش عالی یک خدمت وکالای خصوصی است در تولید و عرضه این خدمت، به دلیل اثرات جانبی مثبت فراوان آن، صرف کردن منابع عمومی و دخالت دولت در تولید و عرضه این خدمت (به اشکال گوناگون) توجیه پذیر است. به علاوه در ایران دولت به دلایل اقتصادی و الزامات قانونی نیز به سازماندهی امکانات و تأسیس مؤسسات آموزش عالی اقدام نموده و متولی تربیت نیروی انسانی متخصص شده است. تعداد دانشجویان دانشگاههای دولتی از ۱۱۷۱۴۸ نفر در سال تحصیلی ۶۲-۱۳۶۱ به ۳۷۴۷۳۴ نفر در سال ۷۲-۱۳۷۱ افزایش یافت.^۶ علی رغم افزایش دانشجویان بخش دولتی به ۳/۲ برابر، هنوز بازا ۱۰۰,۰۰۰ نفر جمعیت، فقط ۶۳۹ نفر دانشجویان در دانشگاههای دولتی مشغول به تحصیل هستند. در صورتی که این شاخص ثابت بماند تعداد دانشجویان دولتی در پایان سال ۱۳۷۷ به ۴۳۰۲۴۵ نفر می رسد که مبین رشدی معادل ۲/۳٪ است. در این صورت و با فرض حفظ سهم بخش دولتی در کل دانشجویان، تعداد کل دانشجویان (بخش غیر دولتی و دولتی) به ۷۹۳۹۹۸ نفر خواهد رسید که مبین ۱۱۷۹ نفر دانشجویان بازا هر صد هزار نفر جمعیت می باشد. ولی اگر بهبود شاخص فوق مدنظر باشد و برای سال ۱۳۷۷ هدف ۲۰۰۰ نفر دانشجویان در یک صد هزار نفر جمعیت در نظر گرفته شود، که قابل مقایسه با کشور ژاپن در سال ۱۹۸۴ و تایلند در سال ۱۹۸۵ می باشد*، تعداد دانشجویان به ۱۳۴۶۶۲۰ نفر افزایش خواهد یافت. در این صورت برای تخمین تعداد دانشجویان دانشگاههای دولتی در سال ۱۳۷۷ می توان از یکی از سه فرض زیر کمک گرفت.^۷

- (۱) حفظ سهم دانشجویان دانشگاهی دولتی در کل دانشجویان.
- (۲) کاهش سهم دولت به ۵۰ درصد شاخص مطلوب (تعداد دانشجویان دولتی از ۶۳۹ نفر در صد هزار نفر جمعیت در سال ۱۳۷۱ به هزار نفر در صد هزار نفر جمعیت در سال ۱۳۷۷ افزایش یابد).

*. Unesco Education in Asia and Pacific Statistical Indicators, 1989

۳) رشد دانشجویان دولتی همانند رشد سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۱. با فرض اول، جمعیت دانشجویی بخش دولتی در سال ۱۳۷۷ به ۶۸۵۱۶۰ نفر خواهد رسید، که با توجه به تعداد دانشجویان بخش دولتی در سال ۱۳۷۱، به طور متوسط نیازمند ۱۰۶ درصد رشد سالانه است.

با فرض دوم، جمعیت دانشجویی بخش دولتی در سال ۱۳۷۷ به ۶۷۳۴۱۰ نفر خواهد رسید، که معادل رشد متوسط سالانه‌ای برابر با ۱۰۲ درصد است. با فرض سوم، جمعیت دانشجویی بخش دولتی با ۱۰۸ درصد رشد سالیانه به ۶۹۵۳۴۳ نفر در سال ۱۳۷۷ خواهد رسید. در این صورت سهم بخش دولتی از کل دانشجویان در سال ۱۳۷۷ برابر با ۵۲ درصد خواهد بود.

حال اگر بهبود سهم دانشجویان در صد هزار نفر جمعیت پذیرفته شود و ازین سه فرض مذکور، فرض دوم، که کمترین دانشجویان در بخش دولتی در سال ۱۳۷۷ را به دنبال دارد، مبنای قرار گیرد، در آن سال، ۶۷۳۳۱۰ نفر دانشجویان در دانشگاه‌های دولتی مشغول به تحصیل خواهند بود، و در صورت حفظ ترکیب سطوح تحصیلی و گروه‌های آموزشی و همچنین با ثابت فرض کردن هزینه سرانه سال ۱۳۷۲، مقدار اعتبار جاری مورد نیاز برای تربیت این تعداد دانشجویان به ۸۸۷/۴ میلیارد ریال خواهد رسید. البته در این صورت ظرفیت فیزیکی نیز باید قریب ۱۰۰ درصد افزایش یابد، که خود اعتبار عمرانی عظیمی را طلب می‌کند.

اگر با فرض خوش بینانه، برای منظور کردن تورم، اعتبارات جاری را فقط ۱۶ درصد در سال رشد دهیم، مقدار اعتبار جاری مورد نیاز به ۱۸۶۴ میلیارد ریال خواهد رسید.^۱ تحقق این هدف ایجاب می‌کند که برای تأمین هزینه‌های آموزشی، در بخش آموزش عالی چاره‌اندیشی شود.

منابع تأمین مالی آموزش عالی:

به طور کلی دو منبع برای تأمین هزینه‌های آموزش قابل تصور است: دولت و افراد حقیقی یا حقوقی که از منافع آموزشی بهره‌مند می‌شوند. تأمین هزینه توسط هر یک از این

منابع دارای ویژگیهای مثبت و منفی بسیار است ولی از آنجا که هدف این مقاله بررسی تأمین هزینه بوسیله دانشجویان به عنوان قشر بهره‌مند از منافع آموزشی است، فقط به این مقوله می‌پردازیم ولی در عین حال می‌پذیریم که برای رسیدن به یک تصمیم منطقی نهایی بررسیهایی همه‌جانبه در زمینه آثار سیاسی و اجتماعی اخذ شهریه لازم و ضروری است که امید است بوسیله محققان علاقه‌مند و صاحب نظر در زمینه جامعه‌شناسی و علوم سیاسی دنبال شود.

از لحاظ نظری، دلایل اخذ شهریه از دانشجویان عبارت است از:

- الف - بالا بودن نسبت بازدهی خصوصی آموزش عالی به بازدهی اجتماعی آن.
- ب - موقعیت طبقات درآمدی خانواده‌های دانشجویان.
- ج - افزایش کارایی داخلی دانشگاهها.

الف - نسبت بازدهی خصوصی آموزش عالی به بازدهی اجتماعی آن: آموزش مانند سرمایه‌گذاریهای دیگر، دارای فوایدی است که یا به طور مستقیم نصیب سرمایه‌گذار می‌شود (فایده خصوصی) و یا از طریق کاهش هزینه‌های اجتماع نصیب جامعه می‌شود (فایده اجتماعی). جوامع گوناگون سالانه هزینه‌های کلانی را به منظور کنترل ناهنجاریهای اجتماعی و برقراری نظم و انضباط متقبل می‌شوند. از آنجا که درصد زیادی از این ناهنجاریها از سطح نازل دانش و اطلاعات ناکافی به وجود می‌آید دولت کسب آموزش عمومی را به همه آحاد جامعه توصیه و در مواردی الزامی می‌کند، تا با کسب سواد و ارتقای سطح دانش افراد جامعه، عواقب رفتارهای ناهنجار کاسته شود و در نتیجه، هزینه‌های گزاف مقابله با ناهنجاریها نیز کاهش یابد. فایده حاصل از باسواد شدن افراد جامعه که فایده اجتماعی آموزش نامیده می‌شود، غالباً به آموزش عمومی منتسب می‌شود، در صورتی که آموزشهای مهارتی، تخصصی و عالی، غالباً به خاطر افزایش درآمد توجیه پیدا می‌کند، یعنی اکثر متقاضیان آموزشهای مهارتی، تخصصی و عالی با این فرض که ارتقای تخصص و مهارت آنها، سبب افزایش درآمدشان می‌شود به سرمایه‌گذاری در این زمینه اقدام می‌کنند. این گونه آموزشها نیز مانند هر اقدام اقتصادی

دیگر دارای فواید اجتماعی است، مانند کمک به رشد اقتصادی. محاسبات بازدهی اجتماعی و فردی بر حسب سطوح آموزش نشان می‌دهد که در کشورهای مورد مطالعه، معمولاً "بازدهی اجتماعی آموزش عالی کمتر از بازدهی فردی آن است. لارونس ساها^۹، در مقاله‌ای با عنوان دانشگاهها و توسعه ملی، پس از ارائه جدولی در مورد بازدهی فردی و اجتماعی سطوح مختلف آموزش در دنیا چنین می‌نویسد:

"میزان بازدهی اجتماعی گرانترین سطح آموزشی، دست کم در کشورهای در حال توسعه، کمتر از سطوح دیگر است ... به علاوه چون میزان بازده خصوصی آموزش عالی از بازده اجتماعی آن بیشتر است، تأمین هزینه‌های آموزش عالی مسأله آفرین است. مثلاً" چر باید دولت به دانشگاهها و سایر مؤسسه‌های آموزش عالی سوسید پردازد، در حالی که برنده اصلی، آموزش گیرنده است نه بقیه افراد جامعه درست به همین دلیل است که در رهنمودهای اجرایی اخیر استدلال شده است که هزینه آموزش عالی را، به جای حکومت باید افرادی پردازند که از آن سود می‌برند."

در این مورد می‌توان به دیدگاه هیکس نیز اشاره نمود، هیکس در مقاله‌ای تحت عنوان آموزش و رشد اقتصادی می‌نویسد:

- ۱- بازدهی مدارس ابتدایی بیش از سطوح دیگر آموزش است.
- ۲- بازدهی فردی بویژه در دانشگاه، بیش از بازدهی اجتماعی است.^{۱۰}

ساخاروپولوس نیز در آخرین بررسیهای خود (۱۹۸۱) به نتایج زیر رسیده است:

- ۱- بازده آموزش ابتدایی (خصوصی یا اجتماعی) در میان سطوح مختلف آموزش از بالاترین نرخ برخوردار است.
- ۲- بازده‌های خصوصی نسبت به بازده‌های اجتماعی، بویژه در سطح دانشگاه بسیار بالاتر است.^{۱۱}

جدول شماره (۲) بازدهی آموزش به تفکیک سطوح سه گانه عمومی، متوسط
وعالی در چند کشور نمونه

سال	کشور	بازدهی خصوصی			بازدهی عمومی			نسبت بازدهی خصوصی به عمومی		
		ابتدایی	متوسطه	عالی	ابتدایی	متوسطه	عالی	ابتدایی	متوسطه	عالی
۱۹۸۹	آرژانتین	۱۰/۱	۱۴/۲	۱۴/۹	۸/۴	۷/۱	۷/۶	۱/۲	۲	۱/۹۶
	بولیوی	۹/۸	۸/۱	۱۶/۴	۹/۳	۷/۳	۱۳/۱	۱/۰۵	۱/۱۱	۱/۲۵
	برزیل	۳۶/۶	۵/۱	۲۸/۲	۳۵/۶	۵/۱	۲۱/۴	۱/۰۳	۱	۱/۶۶
	شیلی	۹/۷	۱۲/۹	۲۰/۷	۸/۱	۱۱/۱	۱۴	۱/۲	۱/۱۶	۱/۴۸
	کلمبیا	۲۷/۷	۱۴/۷	۲۱/۷	۲۰	۱۱/۴	۱۴	۱/۳۹	۱/۲۹	۱/۵۵
	کاستریکا	۱۲/۲	۱۷/۶	۱۲/۶	۱۱/۲	۱۴/۴	۹	۱/۰۹	۱/۲۲	۱/۴
	هندوراس	۲۰/۸	۲۳/۳	۲۵/۹	۱۸/۲	۱۹/۷	۱۸/۹	۱/۱۴	۱/۱۸	۱/۳۷
	اروگوئه	۲۷/۸	۱۰/۳	۱۲/۸	۲۱/۶	۸/۱	۱۰/۳	۱/۲۹	۱/۲۷	۱/۲۴
	ونزوئلا	۳۶/۳	۱۴/۶	۱۱	۲۳/۴	۱۰/۲	۶/۲	۱/۵۵	۱/۴۳	۱/۷۷
۱۹۹۰	السالوادور	۱۸/۹	۱۴/۵	۹/۵	۱۶/۴	۱۳/۳	۸	۱/۱۵	۱/۰۹	۱/۱۹
	پاراگوئه	۲۳/۷	۱۴/۶	۱۳/۷	۲۰/۳	۱۲/۷	۱۰/۸	۱/۱۷	۱/۱۵	۱/۲۷

ماخذ: Gorge Psacharopoulos, Returns to Investment in Education A Global Update. World Bank, January 1993

جدول شماره (۲) نتیجه محاسبه نرخ بازده آموزش در سطوح سه گانه رادرسالهای ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰ در چند کشور نمونه نشان می دهد. چنان که ملاحظه می شود نسبت بازدهی خصوصی به بازدهی عمومی مربوط به آموزش عالی در همه کشورهای از یک بیشتر است. در کشوری مثل آرژانتین شاخص مزبور ۱/۹۶ است، یعنی در این کشور، نرخ بازدهی خصوصی آموزش عالی قریب دو برابر بازدهی عمومی آن است. علاوه بر بررسیهای مزبور، که همگی بروضعیت بازدهی خصوصی آموزش عالی در سایر کشورهای جهان اشاره دارد، در مورد کشور ایران نیز بررسیهای گوناگونی

در باره بازدهی خصوصی و اجتماعی آموزش صورت گرفته است که می توان به مطالعات دکتر رحمانی در سال ۱۳۴۹ تحت عنوان " نرخ اجتماعی و فردی بازگشت سرمایه گذاری در ایران " و پژوهشهای دکتر رضوی در سال ۱۳۵۷ با عنوان " نرخ بازدهی فردی و اجتماعی آموزش بر حسب سطوح تحصیلی در ایران " اشاره کرد. از آنجا که محاسبه اخیر بابت این مقاله ارتباط دارد، نتایج آن به صورت جدول شماره (۳) خلاصه می شود. این جدول نرخ بازدهی خصوصی و اجتماعی در سطوح مختلف تحصیلی در ایران را نشان می دهد. چنان که ملاحظه می شود نسبت بازدهی خصوصی به نرخ بازدهی اجتماعی در سطوح فوق لیسانس، لیسانس و فوق دیپلم به ترتیب برابر با ۱/۳۱، ۱/۲ و ۱/۱ است. این شاخص مبین آن است که در سطوح تحصیلی ذکر شده، نرخ مطلق و نسبی بازدهی خصوصی آموزش عالی از نرخ بازدهی اجتماعی آن بیشتر است.

جدول شماره (۳): نرخ بازدهی خصوصی و اجتماعی در سطوح مختلف تحصیلی ایران^{۱۲}

شرح	دوره تحصیلی	ابتدایی	راهنمایی	متوسطه	گاردانی	لیسانس	فوق لیسانس
نرخ بازدهی خصوصی	۱۰/۳	۷/۶	۱۱/۷	۱۴/۵	۱۰/۶	۱۲/۴	
نرخ بازدهی اجتماعی	۱۰/۶	۱۰/۷	۱۱/۸	۱۳/۱	۸/۸	۹/۳	
نسبت بازدهی خصوصی به بازدهی اجتماعی	۰/۹۷	۱	۰/۹۹	۱/۱	۱/۲	۱/۳۱	

مأخذ: حسین رضوی، بازده اقتصادی سرمایه گذاری آموزشی در سطوح مختلف. تهران، سازمان برنامه و بودجه، مهرماه ۱۳۵۷.

از طرف دیگر، بخش عمده ای از فارغ التحصیلان آموزشهای عالی و مهارتی، پس از فراغت از تحصیل و زمان عرضه خدمات خویش، در تعیین قیمت و ارزش خدمت خود، با محدودیت چندانی مواجه نیستند، و با امکانیزم عرضه و تقاضا به تعیین قیمت عرضه خدمات خود اقدام می کنند. بنابراین، هیچ دلیلی وجود ندارد که دولت برای آموزش این

گروه متقبل هزینه شود (دوره‌های کارشناسی ارشد و دکترابه طور عام، ورشته‌های پزشکی، دندانپزشکی، مهندسی، حسابداری، حقوق و... از این گروه بشمار می آیند.) متقاضیان کسب آموزشهای مهارتی، تخصصی و عالی نیز، به خاطر بازدهی خصوصی زیاد این گونه آموزشها (که قبلاً" به آن اشاره شد) حتی، در شرایطی که دولت سوبسید پرداخت نکند، به کسب این گونه آموزشها اقدام می کنند.^{۱۳}

ب) موقعیت طبقات درآمدی خانواده‌های دانشجویان: کسانی می توانند به دانشگاههای کشور وارد شوند که در رقابت علمی ورودی، یعنی کنکور، موفق شوند. موفقیت در آزمون ورودی دانشگاهها از سه طریق ممکن می شود:

الف) سخت کوشی و برخورداری از استعداد های ذاتی .

ب) سرمایه گذاری لازم برای تقویت بنیه علمی.

ج) استفاده از سهمیه گروههای خاص، مناطق، رزمندگان و شاهد.

افرادی که به منظور آماده شدن برای شرکت در کنکور ورودی دانشگاهها از طریق استفاده از دبیران خصوصی مجرب سرمایه گذاری می کنند دارای تمکن مالی هستند و اخذ شهریه از آنها قابل توجیه است.^{۱۴} برای دو گروه دیگر (گروههای الف و ج) که احتمالاً دارای تمکن مالی نیستند می توان از طریق وام تحصیلی و یا بورس ادارات دولتی^{۱۵} به رفع موانع ادامه تحصیل آنها اقدام نمود. در شرایطی که مدارس غیرانتفاعی در اکثر استانهای کشور تشکیل شده است^{۱۶}، بدیهی است که فقط فرزندان صاحبان درآمد بالاتر جامعه می توانند در این گونه مدارس به تحصیل بپردازند و در نهایت، در رقابت علمی دانشگاهها، امکان موفقیت برای فرزندان صاحبان درآمد کمتر را تقلیل دهند. در این حالت، حتی سهمیه مناطق نیز مفهوم خود را از دست خواهد داد، چرا که در همان مناطقی که دانش آموزان حق استفاده از سهمیه منطقه خاص (به عنوان مثال، منطقه چهارم) را دارند، دانش آموزان مدارس غیرانتفاعی آن مناطق می توانند از سهمیه مناطق محروم استفاده کنند.

بدین ترتیب در چند سال آینده اولاً " سهمیه رزمندگان کاهش چشمگیر می یابد

(به خاطر محدود بودن تعداد آنها) و ثانياً "انتظار می‌رود که مدارس غیرانتفاعی گسترش پیدا کند، در این حالت، مشارکت دانشجویان یا والدین آنها در پرداخت هزینه‌های دانشگاهی حداقل به همان نسبتی که در پرداخت هزینه‌های مدارس ابتدایی و متوسطه مشارکت دارند، توجیه‌پذیر خواهد بود. بنابراین در این وضعیت معاف کردن همه دانشجویان از پرداخت شهریه، نوعی کمک به قشر برخوردار جامعه تلقی می‌شود. مایکل تودارو در این مورد می‌نویسد:

"مطالعات اخیر نشان داده است که نظامهای آموزشی اکثر کشورهای در حال توسعه به جای اینکه نابرابریهای درآمدی را کاهش دهد آنرا افزایش داده است ... ماهیت نابرابر بسیاری از نظامهای آموزشی جهان سوم در سطح آموزش دانشگاهی، یعنی سطحی که دولت هزینه‌های کامل شهریه و دیگر مخارج آن را می‌پردازد و نیز بورسهای که در اختیار دانشجویان قرار می‌دهد، حتی بیشتر تشدید می‌شود. چون اکثر دانشجویان دانشگاه خود از طبقات دارای درآمد بالای جامعه اند (در سطح آموزش متوسطه نیز بیشتر از طبقات دارای درآمد بالا هستند)، لذا آموزش دانشگاهی که به مقدار زیادی با کمک مالی دولت از محل وجوه عمومی مالیاتهای اخذ شده طبقات فقیر تأمین مالی می‌شود، بانام آموزش عالی رایگان - در واقع با کمکهای مالی و با پرداخت انتقالی از فقرا به ثروتمندان اداره می‌شود"^{۱۷}

"وودهاال" و "ساخارو پولوس" نیز به این مطلب اشاره می‌کنند و می‌نویسند:

"گسترش سریع سرمایه‌گذاری آموزشی در کشورهای در حال توسعه در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، پیش از آنکه جمعیت روستایی را بهره‌مند سازد، خانواده‌های دارای درآمدهای زیاد و شهری را منتفع ساخت و بنابراین می‌تواند تفاوت‌های درآمدی را هم افزایش داده باشد نه کاهش"^{۱۸}

ج) - افزایش کارایی داخلی دانشگاهها:

برقراری شهریه برافزایش کارایی داخلی دانشگاهها می افزاید. این امر به دودلیل اتفاق می افتد. دلیل نخست این است که دانشجو پرداخت شهریه را نوعی سرمایه گذاری تلقی می کند و به همین دلیل انتظار دارد درمقابل هزینه ای که صرف می کند افزایش سطح دانش خویش را به حداکثر برساند. چنان که دربخش نخستین مقاله اشاره شد، دانشجو به عنوان یک سرمایه گذار، به امید آنکه بتواند باافزایش دانش خود، درآمد خود را افزایش دهد، به سرمایه گذاری دراین بخش اقدام می کند، و این هدف زمانی کاملاً محقق خواهد شد که علاوه براخذ مدرک، دانستیهای خود را نیز باکیفیت خوبی افزایش دهد. بنابراین، دانشجو بااصرار به افزایش دانستیهای خود، دانشگاه را به ارتقای سطح تلاشهای آموزشی استادان و افزایش کیفیت آموزش ترغیب می کند و ازاین طریق، به افزایش کارایی داخلی دانشگاه کمک می نماید. میلتون ورز فریدمن دراین خصوص چنین می نویسند:

"دراین جا (مؤسسات خصوصی). گویی، کالج فروشنده خدمات آموزشی است و دانشجویان خریدار آن خدماتند. پس دراینجانب، همانند همه بازارهای آزاد، هر دو طرف معامله انگیزه هایی قوی دارند تا به یکدیگر خدمت کنند. اگر کالج آن نوع خدمات آموزشی را که دانشجویان در جستجویش هستند فراهم نیاورد، دانشجویان می توانند به جاهای دیگر بروند. دانشجویان هم مایلند حداکثر ارزش پول خود را به چنگ آورند." ۱۹

دلیل دوم این است که دانشجو با توجه به حساسیتی که نسبت به هزینه شدن دارایی خود دارد و همچنین با توجه به اهدافی که دنبال می کند (از جمله افزایش درآمد آتی) سعی می کند بهترین رشته ها را انتخاب کند و ازاین طریق، تخصیص منابع به صورت بهینه انجام می گیرد. علاوه براین، دانشجو سعی می کند در سهارا چنان بیاموزد که نمره قبولی بگیرد و از تکرار دروس پرهیز شود. این تلاش که در جهت کاهش هزینه فردی صورت می گیرد، به طور غیر مستقیم موجب می شود که افت تحصیلی و به دنبال آن طول دوره تحصیل کاهش یابد.

بنابراین، از دیدگاه اقتصادی با توجه به اینکه پرداخت شهریه توسط دانشجویان، در کاهش بار مالی دولت، افزایش کارایی دانشگاهها و جلوگیری از افزایش شکاف درآمدی بین اقشار جامعه، نقش دارد، امری پسندیده و قابل توصیه است.

مشکلات احتمالی وضع شهریه در دانشگاهها

در قسمتهای قبل منطق اقتصادی اخذ شهریه تشریح شد. در این قسمت مشکلات احتمالی آن مرور می‌شود. با وضع شهریه، احتمالاً "دو مشکل به وجود می‌آید:

۱- فقدان تقاضای کافی برای رشته‌هایی که دارای نرخ بازگشت کمتری هستند.

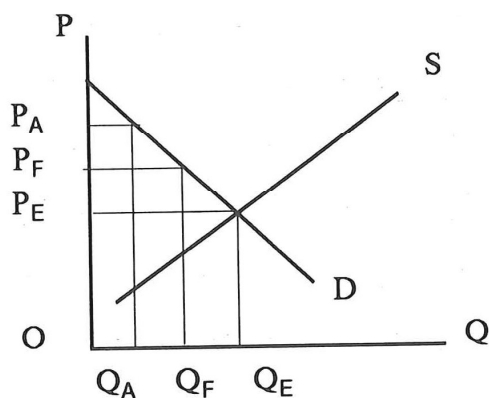
۲- عدم تناسب میزان شهریه و قدرت مالی پرداخت کننده (دانشجو)

مشکل وجود تقاضای ناکافی برای برخی رشته‌ها، در شرایطی که جامعه مراحل اولیه رشد و توسعه را سپری کرده باشد و سهم دولت در استخدام فارغ‌التحصیلان دانشگاهها کم باشد، با وضوح بیشتری آشکار می‌شود. در شرایطی که هنوز جامعه در مراحل اولیه رشد و توسعه باشد، به خاطر ظرفیت کم اشتغال فنی و حرفه‌ای، متقاضیان ورود به دانشگاه زیاد بوده و به همین دلیل، ورود به دانشگاه، خود دارای ارزش قیمتی است که وضع شهریه نمی‌تواند تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر تقاضای ورود به دانشگاه، حتی در کم‌بازده‌ترین رشته‌ها داشته باشد. با توجه به نظام پرداخت دستگاههای دولتی، که به سطح تحصیلات مربوط می‌شود نه به نوع رشته، اگر حجم تقاضای دولت برای به کارگیری فارغ‌التحصیلان دانشگاهها زیاد باشد، باز هم وضع شهریه نمی‌تواند تأثیر زیادی بر تقاضای ورود به دانشگاه داشته باشد. ولی اگر شرایط مزبور حاکم نباشد، دانشجویان به عنوان یک سرمایه‌گذار، در زمان تعیین رشته به مقایسه ارزش فعلی هزینه‌ها و درآمدها می‌پردازد، هرچه نرخ بازگشت سرمایه رشته‌ای کمتر باشد، تقاضا برای ادامه تحصیل در آن رشته کاهش خواهد یافت. در این صورت، احتمالاً "در رشته‌های علوم پایه و علوم انسانی مشکل کمبود تقاضا وجود خواهد داشت. مگر این که از طریق وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی بورسهای تحصیلی اعطاشود^{۲۰}. گرچه همین مکانیسم در بلندمدت به دلیل کاهش عرضه قیمت را به تعادل خواهد رساند ولی در کوتاه مدت برای ایجاد

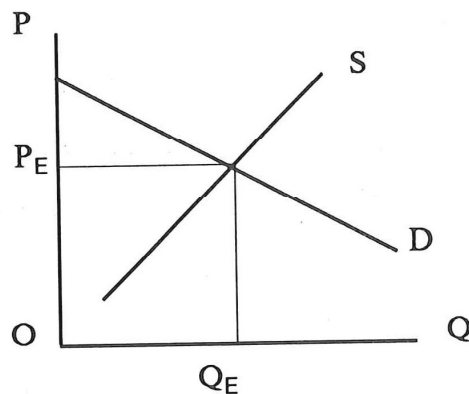
رابطه منطقی بین دریافت شهریه و توانایی پرداخت دانشجو می توان بابرقراری مکانیزم تبعیض کامل قیمت،^{۲۱} به رفع مشکل اقدام نمود. یعنی، از آنجا که، هر نقطه ای در روی منحنی تقاضا، بالاترین قیمتی را نشان می دهد که خریدار برای آن مقدار کالا یا خدمت، حاضر به پرداخت است، در هر نقطه تعادل،^{۲۲} بخشی از متقاضیان، که در سمت چپ نقطه تعادل قرار می گیرند از اضافه رفاه مصرف کننده^{۲۳} برخوردار می شوند و بخشی دیگر که در سمت راست نقطه تعادلی قرار می گیرند از دستیابی به تقاضای خود محروم می شوند. ولی اگر تبعیض کامل اعمال شود، نه تنها هیچ مصرف کننده ای نمی تواند از اضافه رفاه مصرف کننده برخوردار شود، بلکه عدالت اجتماعی نیز اجرا می شود، یعنی از هر کس به اندازه توانایی و تمایل او شهریه دریافت می شود. در این صورت، دولت (عرضه کننده خدمات آموزش عالی) قادر است بازار عرضه خود را به اجزاء کوچک تفکیک کند به نحوی که هر متقاضی به تناسب بالاترین قیمتی که می تواند پرداخت کند، شهریه بپردازد. به طوری که در شکل الف مشاهده می شود، متقاضی A به اندازه PA شهریه پرداخت می کند و متقاضی F به اندازه PF. با به کارگیری این روش، هم متقاضیان گوناگون به تناسب توان خود شهریه پرداخت می کنند و هم دولت به حداکثر سود دست می یابد. اگر دولت نخواهد به حداکثر کردن سود بیندیشد می تواند از نقطه تعادلی هم عبور نموده و کسانی را که پیشنهاد پرداخت شهریه کمتر از نقطه تعادلی دارند نیز بپذیرد. در این صورت، اثر منفی تعیین قیمت یکسان و حذف عده ای از مجموع متقاضیان نیز به وجود نمی آید. در شکل ب مشاهده می شود، که با تعیین قیمت واحد در سطح PE متقاضیان سمت راست QE که دارای قدرت خرید کمتری هستند حذف شده و متقاضیان سمت چپ QE که دارای قدرت خرید بالاتری هستند از اضافه رفاه مصرف کننده (قسمت هاشور خورده) برخوردار خواهند شد. بنابراین، نتیجه می گیریم که با ارائه آموزش عالی مجانی، اضافه رفاه مصرف کنندگان دارای درآمد بالا افزایش پیدا می کند و با تعیین قیمت یکسان، عده ای از متقاضیانی که دارای قدرت خرید پایین هستند حذف شده و عده ای دیگر از اضافه رفاه مصرف کننده برخوردار می شوند. ولی با اعمال تبعیض کامل قیمت، بخصوص اگر، دولت به دنبال حداکثر کردن سود نباشد، زمینه اقدام عادلانه در زمینه دریافت شهریه به تناسب توانایی پرداخت متقاضی فراهم می گردد. و حتی

اگر دولت نخواهد به متقاضیان سمت راست نقطه تعادل، امکانات آموزشی عرضه کند، با اعمال تبعیض کامل قیمت، درین همان عده نیز عدالت برقرار می‌شود.

شکل (الف)



شکل (ب)



نتیجه:

ماهیت آموزش عالی، به عنوان یک خدمت، جنبه خصوصی دارد، و در شرایطی که دولت اهداف اجتماعی و اقتصادی خاصی از ارائه آموزش نداشته باشد، بایستی بخش خصوصی به تأسیس دانشگاه و تربیت نیروی انسانی متخصص اقدام کند، ولی بنا به دلایل متعددی، که در متن به برخی از آنها اشاره شده است، امکان سرمایه‌گذاری کافی برای بخش خصوصی در بخش آموزش عالی وجود ندارد.

به همین دلیل، دولت مجبور می‌شود در این بخش سرمایه‌گذاری کند. تأمین هزینه‌های مورد نیاز اداره مطلوب دانشگاه‌ها و افزایش کارایی داخلی آنها، اقتضا می‌کند که از دانشجویان شهریه اخذ شود. اخذ شهریه در واقع یک نوع قیمت‌گذاری آموزش عالی است، به همین دلیل، به طور طبیعی عده‌ای از افراد کم‌درآمد از ادامه تحصیل در دانشگاه محروم می‌شوند و عده‌ای دیگر، که برخی از آنها متعلق به گروه‌های بالای درآمدی جامعه نیز هستند، همچنان از اضافه رفاه برخوردار خواهند بود. برای جلوگیری از بروز چنین وضعیتی پیشنهاد شده است که مکانیزم تبعیض کامل قیمت به اجرا درآید. با اعمال چنین مکانیزمی نه تنها هیچ کس با هزینه عمومی از اضافه رفاه مصرف‌کننده برخوردار

نخواهد شد، بلکه (در صورتی که ضروری باشد) دولت می‌تواند به افزایش تعداد دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی در حد پاسخگویی به تقاضای موجود اقدام نماید. اگرچه تأمین بخشی از هزینه‌های آموزش عالی از طریق شهریه، امری پسندیده و عقلایی است، باید برای اجرای پیشنهاد فوق مکانیزم مناسبی، وجود داشته باشد که قدرت پرداخت افراد برای راه یافتن به دانشگاهها جایگزین توانایی علمی آنها نشود و دانشگاهها جنبه معنوی و علمی خود را از دست ندهند. بدین منظور می‌توان از تجربه سایر کشورها در زمینه برقراری شهریه دانشجویی سود جست و مکانیزم‌های اجرایی مناسبی را که با شرایط اجتماعی و سیاسی کشورمان سازگار باشد، طراحی کرد.

□ پانویسها:

۱- دکتر سیدجواد پورمقیم، اقتصاد بخش عمومی، نشرنی (۱۳۶۹) ص ۷۹.

۲- همان منبع، همان جا

۳- از نظر ماهیت آموزش یک کالای خصوصی است ولی نظریه بازدهی اجتماعی

فراوان آموزش عمومی، دولت‌ها سعی می‌کنند که از فراهم شدن زمینه برخورد با آموزش عمومی، به عنوان یک کالای خصوصی پرهیز کنند. در کشورهایی که درآمد سرانه پایین است و از طرف دیگر، احتمالاً همه افراد آن جامعه به ضرورت سوادآموزی و ارتقای سطح دانش پی نبرده‌اند، برخوردی همانند یک کالای خصوصی با آموزش عمومی و تعیین قیمت برای آن، سبب می‌شود که عده‌ای از افراد جامعه نسبت به فراگیری دانش عکس‌العمل مثبت نشان ندهند، به همین دلیل اگرچه آموزش عمومی نیز یک کالای خصوصی است، ولی دولت‌ها، بخصوص دولت‌های کشورهای در حال توسعه، سعی می‌کنند همانند کالای عمومی با آن برخورد شود. به عنوان مثال، در کره جنوبی که در زمینه خصوصی سازی آموزش سرآمد خیلی از کشورهاست در سال ۱۹۸۹ فقط ۱/۴ درصد از آموزش عمومی بر عهده بخش خصوصی بود در حالی که در همان سال ۷۹ درصد از آموزش عالی توسط بخش خصوصی اداره می‌شد.

۴- البته در ایران به خاطر اینکه مؤسسات آموزش عالی غیردولتی مورد حمایت

مؤسسات عام المنفعه هستند و از این طریق بخشی از هزینه‌های خود را تأمین می‌کنند و همچنین به خاطر کم بودن تعداد متخصصین و تقاضای زیاد دوایردولتی برای دارندگان مدارک تحصیلات عالی، عکس مطلب مزبور اتفاق افتاده است. به طوری که از ۶ دانشگاه غیرانتفاعی ایجاد شده، در سال‌های پس از انقلاب، ۴ دانشگاه «دانشگاه امام صادق (ع)»، دانشگاه استاد شهید مطهری، دانشگاه مفید قم و دانشگاه رضوی مشهد» فقط در رشته‌های علوم انسانی دانشجو می‌پذیرند. و یک دانشگاه، که بیشترین سهم در آموزش عالی غیردولتی را به خود اختصاص داده است، ترکیبی از رشته‌ها را داراست (دانشگاه آزاد اسلامی) و یک دانشگاه نیز فقط در رشته پزشکی دانشجو می‌پذیرد. (دانشگاه علوم پزشکی فاطمیه قم).

در دانشگاه آزاد، طی سال‌های ۶۷ تا ۷۱ دانشجویان رشته‌های علوم انسانی حدود ۶۰ درصد

و دانشجویان علوم پایه حدود ۱۲ درصد کل دانشجویان را تشکیل داده‌اند یعنی بیش از ۷۰ درصد دانشجویان

دانشگاه آزاد اسلامی از دانشجویان رشته‌های علوم انسانی و علوم پایه هستند.

۵- تمام واحدهای تأسیس شده مانند دانشگاه آزاد، دانشگاه امام صادق (ع) و دانشگاه علوم پزشکی فاطمیه قم، در واقع مؤسسات غیردولتی اند نه خصوصی.

۶- وزارت فرهنگ و آموزش عالی، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی. سیمای آموزش عالی در آیینۀ آمار (فروردین ۱۳۷۲).

۷- برای برآورد تعداد دانشجویان سال ۱۳۷۷ و همچنین تعیین سهم دانشگاه‌های دولتی از فروض زیرکمک گرفته شده است:

الف) جمعیت کشور در سال ۱۳۷۷ از برآورد دفتر جمعیت نیروی انسانی سازمان برنامه و بودجه استفاده شده است. (۶۷/۳۳۱ میلیون نفر).

ب) در سال ۱۳۷۱، ۵۰/۸۸ درصد از کل جمعیت دانشجویی تحت پوشش بخش دولتی بوده است.

ج) متوسط رشد سالیانه دانشجویان دولتی طی سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۱، ۱۰۸ درصد بوده است.

۸- این درحالی است که در لایحه دوم برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور برای کل امور جاری و عمرانی آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ فقط ۱۹۳۶ میلیارد ریال پیش بینی شده است.

۹- لارونس ساها، دانشگاه‌ها و توسعه ملی، ترجمه محمد رضا فضلی. نشریه نگاه (مرداد و شهریور ۱۳۷۱) ص ۵۳.

10 N.L. Hicks, *Education and Economic Growth*

11 G.Psacharopoulos, *Returns to Education: An Updated International Comp*,
Educ.17 :S26

۱۲- از آنجاکه تنه‌مطالعه جامع در زمینه برآورد نرخ بازدهی سرمایه‌گذاری آموزشی در کشور توسط آقای رضوی در سال ۱۳۵۷ انجام شده تنها نتایج این مطالعه استفاده شده است. در سالهای اخیر کوششهای محدود در قالب پایان نامه‌های کارشناسی ارشد در دانشکده‌های علوم اقتصادی برای روزآمد کردن این مطالعه انجام شده که برپاره‌ای از این نتایج ایراداتی وارد است.

۱۳- برای اثبات مدعای فوق می‌توان به رشد شتابان تعداد دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی در رشته‌های گوناگون و همچنین به رشد تعداد هنرجویان مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای غیررسمی غیردولتی (که باخذ شهریه به آموزش هنرجویان اقدام می‌کنند) اشاره نمود. همان طور که در جدول شماره (۳) مشاهده می‌شود، تعداد دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی از ۱۱۶۶۲۳ نفر در سال ۱۳۶۸ به ۲۸۳۷۵۹

نفر در سال ۱۳۷۱ افزایش یافت. به همین ترتیب، تعداد آموزش دیدگان در آموزشگاههای فنی و حرفه‌ای غیردولتی از ۷۸۶۰۸ نفر دوره در سال ۱۳۶۸ به ۲۳۲۷۸۰ نفر دوره در سال ۱۳۷۱ افزایش یافت.

جدول شماره (۳): تعداد دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی و تعداد آموزش

دیدگان در آموزشگاههای فنی و حرفه‌ای غیردولتی

طی سالهای ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۱

سال	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱
تعداد دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی به نفر	۱۱۶۶۲۳	۱۷۶۲۲۲	۲۲۲۹۱۳	۲۸۳۷۵۹
تعداد هنرجویان آموزشگاههای فنی و حرفه‌ای آزاد نفر- دوره	۷۸۶۰۸	۱۲۸۳۶۸	۱۹۳۵۵۵	۲۳۲۷۸۰

ماخذ: ۱- آمار دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی از دفتر برنامه‌ریزی دانشگاه آزاد اسلامی اخذ شده است.

۲- آمار آموزش دیدگان آموزشگاههای فنی و حرفه‌ای آزاد از سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای وزارت کار و امور اجتماعی اخذ شده است.

۱۴- یکی از دلایلی که سبب می‌شود وضع شهریه در مدارس و دانشگاهها مورد استقبال همگان قرار نگیرد باکاهش بودن تقاضای این خدمت برای برخی اقشار جامعه است یعنی منحنی تقاضا برای بعضی از گروههای اجتماعی غیرعمومی است. (البته از طرح منحنی تقاضای عده‌ای از محرومین مناطق مرز نشین سیستان و بلوچستان، ایلام، کهگیلویه و بویراحمد و... که حتی صعودی نیز هست صرف نظر می‌شود). ولی منحنی تقاضای آموزش در گروههایی که به ضرورت کسب و ارتقای دانش پی برده‌اند و یادارای درآمد بالایی هستند هزینه آموزش بخش بسیار ناچیزی از هزینه‌های آنها را تشکیل می‌دهد، منحنی تقاضا یک منحنی عمودی است، بنابراین وضع شهریه و یا افزایش آن هیچ گونه تغییری در تقاضای آنها به وجود نمی‌آورد، به همین دلیل عده‌ای معتقدند که وضع شهریه برای این گروهها هیچ گونه اثر منفی بی به جای نخواهد گذاشت.

۱۵- اعطای بورس تحصیلی به دانشجویان ممتاز که از خانواده‌های محروم جامعه هستند و تشکیل صندوق قرض الحسنه برای دانشجویانی که توانایی پرداخت شهریه را ندارند می‌تواند به عنوان یک مکانیزم تکمیلی مناسب مورد استفاده قرار گیرد، در این صورت، دانشجویانی که از خانوارهای

محروم هستند ضمن اینکه از ادامه تحصیل و ارتقای دانش بازنمی مانند، می توانند پس از اشتغال به کار نسبت به بازپرداخت شهریه اقدام کنند.

۱۶- در سال تحصیلی ۷۲-۷۱، یعنی زمانی که هنوز چهار سال از شروع تشکیل مدارس غیرانتفاعی نمی گذرد در همه استانهای کشور (بجز استان کردستان) این گونه مدارس تشکیل شده است. چنان که در جدول شماره (۴) مشاهده می شود حتی در استانهای محروم ایلام، بوشهر، کهگیلویه و بویراحمد، هرمزگان و سیستان و بلوچستان نیز مدارس غیرانتفاعی تشکیل شده است. به طوری که در استانهای مذکور به ترتیب ۱۷۸، ۱۰۰۴، ۳۵۴، ۳۵۷۵، ۲۰۹۹ نفر دانش آموز در این نوع مدارس ثبت نام نموده اند.

نکته درخور توجه دیگر این است که تعداد دانش آموزان مدارس غیرانتفاعی از ۲۸۱۰۲ نفر در سال تحصیلی ۷۰-۶۹ به ۱۳۹۱۵۲ نفر در سال تحصیلی ۷۲-۷۱ افزایش یافت. این افزایش در حالی صورت گرفت که شهریه مدارس غیرانتفاعی نیز از ۸۰۰۰۰، ۱۰۰۰۰۰، ۱۲۰۰۰۰ ریال به ترتیب برای مقاطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه در سال تحصیلی ۶۹-۶۸ به ۲۷۰۰۰۰، ۳۱۰۰۰۰ و ۳۷۰۰۰۰ ریال به ترتیب برای مقاطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه در سال تحصیلی ۷۲-۷۱ افزایش یافت.

جدول شماره (۴) آمار دانش آموزان مدارس غیرانتفاعی به تفکیک استان
در سال تحصیلی ۷۲-۱۳۷۱

نام استان	تعداد دانش آموز	نام استان	تعداد دانش آموز
آذربایجان شرقی	۲۸۲۶	زنجان	۱۱۱۰
آذربایجان غربی	۱۷۶۱	سیستان و بلوچستان	۲۰۹۹
اصفهان	۳۷۶۷	سمنان	۱۰۳۹
ایلام	۱۷۸	فارس	۷۹۱۵
بوشهر	۱۰۰۴	کرمان	۳۰۳۸
تهران بزرگ	۴۹۵۶۹	کرمانشاهان	۱۷۵۴
چهارمحال بختیاری	۱۰۳۰	کهگیلویه و بویراحمد	۳۵۴
خراسان	۱۵۵۵۹	گیلان	۶۴۰۵
خوزستان	۷۶۹۰	لرستان	۱۴۷۷
مازندران	۱۹۲۳۷	مرکزی	۱۸۱۶
هرمزگان	۳۵۷۵	همدان	۱۱۸۰
یزد	۶۱۹۰		

منبع: وزارت آموزش و پرورش - دفتر مدارس غیرانتفاعی

بنابراین در صورتی که این روند ادامه داشته باشد تا چند سال دیگر تعداد دانش آموزان متوسطه مدارس غیرانتفاعی قریب ظرفیت پذیرش دانشگاه‌های دولتی خواهد شد. لذا رقابت برای ورود به دانشگاه‌های مجانی دولتی تا حد زیادی بین دانش آموزان مدارس غیرانتفاعی صورت خواهد گرفت.

۱۷- مایکل تودارو، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، جلد اول، ص ۵۰۶ و ۵۰۸ - ۵۰۹

۱۸- جورج ساخاروپولوس و موریس وودهال، آموزش برای توسعه، تحلیلی از گزینشهای سرمایه‌داری، ترجمه پریدخت وحیدی و حمیدسهرابی، ص ۴۴۴.

۱۹- مپلتون ووزفریدمن، آزادی انتخاب، ترجمه حسین حکیم‌زاده جهرمی. نشر پارسی، چاپ اول ۱۳۶۷، ص ۲۲۱.

۲۰- یادآوری این نکته ضروری است که هم اکنون برخی از وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی به منظور تأمین کادر تخصصی مورد نیاز خود (در سطح کارشناسی ارشد و دکترا) با بعضی از دانشگاهها قرارداد منعقد می‌کنند. این روش تأمین نیروی انسانی سبب می‌شود وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی که از بودجه عمومی کشور نیز استفاده می‌کنند، دو نوع هزینه را متحمل شوند، هزینه آموزش (شهریه) که به دانشگاهها پرداخت می‌شود، و هزینه تحصیلی که تحت عنوان حقوق به دانشجویان داده می‌شود. این در حالی است که تمامی هزینه‌های دانشگاههای کشور از محل بودجه عمومی دولت تأمین می‌شود، یعنی در عین حال که دولت تأمین کننده اعتبار دانشگاههاست، برای تأمین نیروی انسانی مورد نیاز خود، مجبور به پرداخت هزینه‌ای جداگانه می‌شود. علاوه بر این، وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی برای تأمین نیروی انسانی خود، در سطوح کاردانی و کارشناسی نیز، به طور مستقل به تشکیل مراکز آموزش عالی مبادرت ورزیدند. به طوری که در حال حاضر بیش از ۵۰ مؤسسه آموزش عالی به وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی وابسته اند (۴۰ درصد آن به وزارت آموزش و پرورش مربوط است) و وظیفه اصلی این مؤسسات، تربیت نیروی انسانی مورد نیاز وزارتخانه‌ها یا سازمان متبوع است. همچنین آمار نشان می‌دهد که قریب ۱۸ درصد فارغ التحصیلان مراکز آموزش عالی در سال تحصیلی ۷۰-۱۳۶۹ از همین مؤسسات فارغ التحصیل شده‌اند.*

* - وزارت فرهنگ و آموزش عالی، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی. آمار آموزش عالی در ایران - سال

بنابراین دولت برای تأمین نیازهای نیروی انسانی خود دوباره متحمل هزینه می‌شود. در صورتی که اگر از دانشجویان شهریه دریافت شود، دولت فقط هزینه آموزشی مربوط به دانشجویان بورسیه خود را پرداخت می‌کند، و از همین طریق، دانشجویانی که توانایی پرداخت شهریه رانداشته باشند می‌توانند با قبول بورس دولت، به تحصیل مشغول شوند و پس از فراغت از تحصیل به منظور ارائه خدمت به استخدام دولت درآیند.

21- Price discrimination

22- Equilibrium Price

23- Consumer surplus

□ کتابشناسی

- ۱- پورمقیم، سیدجواد. اقتصادبخش عمومی. تهران، نشرنی، ۱۳۶۹.
- ۲- تودارو، مایکل. توسعه اقتصادی جهان سوم، جلد اول. ترجمه دکتر غلامعلی فرجادی. تهران: سازمان برنامه و بودجه، چاپ دوم ۱۳۶۶.
- ۳- رضوی، حسین، بازده اقتصادی سرمایه‌گذاری آموزشی در سطوح مختلف. تهران، سازمان برنامه و بودجه، مهرماه ۱۳۵۷.
- ۴- ساخاروپولوس، جورج و وودهاال، موریس. آموزش برای توسعه، تحلیلی از گزینشهای سرمایه‌گذاری. ترجمه پریدخت وحیدی و حمید سهرابی. تهران، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۰.
- ۵- سالنامه آماری کشور ۱۳۷۰. مرکز آمار ایران، ۱۳۷۱.
- ۶- ساها، لارونس. دانشگاهها و توسعه ملی. ترجمه محمد رضا افضلی. نشریه نگاه نو، مرداد و شهریور ۱۳۷۱.
- ۷- سهرابی، حمید، با همکاری فریبا فهیم یحیایی و فرحناز صبحی. تحلیل مسائل بخش آموزش عالی و ارائه سیاست‌هایی برای توسعه آن. تهران، سازمان برنامه و بودجه، معاونت امور اجتماعی، دفتر امور آموزش عالی و تحقیقات، ۱۳۷۱.
- ۸- علائی، شهریار و فاضلی، حسین. هزینه سرانه آموزش عالی در ایران و تحولات آن طی سالهای ۶۸ تا ۷۱. تهران، سازمان برنامه و بودجه، معاونت امور اجتماعی، دفتر امور آموزش عمومی، عالی و تحقیقات، آبان ۱۳۷۲.
- ۹- فریدمن، میلتون و فریدمن، رز. آزادی و انتخاب. ترجمه حسین حکیم زاده جهرمی. تهران، نشر پارسی، چاپ اول، ۱۳۶۷.
- ۱۰- وزارت فرهنگ و آموزش عالی، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی. سیمای آموزش عالی در آیینها. آمار. فروردین ۱۳۷۳.
- ۱۱- هندرسن، م و ریچارد، ا. کوانت. تئوری اقتصاد خرد (تقرب ریاضی). ترجمه مرتضی قره باغیان و جمشید پژویان. تهران، نشرنی، ۱۳۷۱.